

رابطه رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران

حضور رژیم صهیونیستی در منطقه اقلیم کردستان در راستای سیاست های توسعه طلبانه آن تنظیم شده است و مساله کردها و آرمان آن ها برای کسب استقلال و خودمختاری وسیله و یا بهانه را برای این رژیم در راستای اهداف راهبردی آن در این منطقه فراهم می کند



به گزارش آران نیوز: متن حاضر در صدد است رابطه رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی اجمالی قرا دهد.

با توجه به اهمیت موضوع و شرایط منطقه ای، در وضعیت کنونی روابط رژیم صهیونیستی با اقلیم کردستان با منافع جمهوری اسلامی سازگار نیست و به همین علت به دنبال این هستیم که منافع، اهداف و طرح های رژیم صهیونیستی برای نفوذ و حضور در شمال عراق را شناسایی کنیم.

حضور رژیم صهیونیستی در منطقه اقلیم کردستان در راستای سیاست های توسعه طلبانه آن تنظیم شده است و مساله کردها و آرمان آن ها برای کسب استقلال و خودمختاری وسیله و یا بهانه را برای این رژیم در راستای اهداف راهبردی آن در این منطقه فراهم می کند تا با تشویق آنها به استقلال، زمینه را برای تجزیه عراق و تعقیب و تحقق ادعاهای ارضی خود در این سرزمین فراهم نماید.

همچنین این ادعای استقلال و خودمختاری کردها این فرصت را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داده تا با مداخله و حضور در شمال عراق و حمایت از کردها زمینه را برای ایجاد ناامنی و افزایش منازعات قومی و مذهبی در منطقه فراهم نماید. چون کردها در امتداد مرزهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه قرار دارند و خودمختاری کردها می تواند ترکیه، ایران و سوریه را با بحران های جدی در آن کشورها مواجه سازد.

کردستان عراق به عنوان حلقه پیوندی میان کردستان ایران با کردستان ترکیه و سوریه محسوب می شود. این بخش از کردستان، سرزمینی است غنی و کوهستانی که از سلسله کوه های زاگرس واقع در کردستان ایران به سوی کردستان های ترکیه کشیده شده است.

ژئوپلیتیک کردستان عراق

به دنبال شکست نیروهای عراقی از نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا پس از جنگ اول خلیج فارس در سال 1990، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه 688، در صدد ایجاد مناطق امنی در شمال و جنوب این کشور برای کمک به مردم آواره برآمد.

منطقه امن کردستان عراق، سرزمین های واقع در شمال مدار 36 درجه را شامل می شد که در پی آن استان های کردنشین سلیمانیه، اربیل، و دهوک از نفوذ بغداد رهایی یافتند و کردها موفق شدند پس از برگزاری انتخابات پارلمانی به تاریخ 19 مه 1991 میلادی یک دولت خودمختار منطقه ای با حضور اقلیت های آشوری و ترکمن در این مناطق تشکیل دهند.

به این ترتیب جنگ دوم خلیج فارس و حمله آمریکا و متحدانش به عراق در مارس 2003 که منجر به سقوط صدام حسین و تحول سیاسی در عراق شد موقعیت کردها را نه تنها در شمال عراق بلکه در سطح دولت ملی بهبود بخشید، بلکه آنها توانستند پست ریاست جمهوری و وزارتخانه های عمده دولت عراق را به دست گیرند و بر فرآیندهای سیاسی و شکل گیری نظام سیاسی جدید عراق تأثیر بگذارند.

کردستان شمال عراق نیز در قالب ایالت فدرال و آن هم با اختیارات گسترده و رسمی به حیات خود ادامه داده و اصول 4، 1، و 113 قانون اساسی عراق اختیارات قانونی لازم را به حکومت منطقه ای کردستان اعطا کرد. از لحاظ جغرافیایی کردستان عراق، بخشی از مناطق کردنشین غرب آسیا به شمار می رود که با وسعتی معادل 75000 کیلومتر مربع از موقعیتی کم و بیش میانی و مرکزی در بین مناطق کردنشین پیرامونی برخوردار است؛ به عبارتی دیگر کردستان عراق به عنوان حلقه پیوندی میان کردستان ایران با کردستان ترکیه و سوریه محسوب می شود. این بخش از کردستان، سرزمینی است غنی و کوهستانی که از سلسله کوه های زاگرس واقع در کردستان ایران به سوی کردستان های ترکیه کشیده شده است.

تقسیم بندی استان های کردستان عراق به شرح زیر است:

استان کرکوک 19543 کیلومتر مربع، استان اربیل 15319 کیلومتر مربع، استان سلیمانیه 11993 کیلومتر مربع، استان نینوا 11000 کیلومتر مربع، استان دهوک 9754 کیلومتر مربع، استان دیاله 5500 کیلومتر مربع و استان واسط 895 کیلومتر مربع. از این 74000 کیلومتر مربع، تنها محدوده استان های اربیل، سلیمانیه و دهوک یعنی 37062 کیلومتر مربع در قلمرو حکومت منطقه ای کردستان قرار دارد که این مقدار تا سال 1975 نیز جزو قلمرو خود مختار محسوب می شد. بقیه محدوده کردستان عراق، یعنی چیزی حدود 40000 کیلومتر مربع در کنترل حکومت مرکزی عراق قرار گرفته است که قرار است بر اساس ماده 140 قانون اساسی عراق، این مشکل عمده بین حکومت اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق حل و فصل شود. همچنین استان نینوا شامل بخش های کردنشین عقره، شیخان، سنجار و زمار است، استان دیاله بخش های کردنشین خانقین، مندلی، میدان و قره تو را شامل می شود و استان واسط که شامل بخش کردنشین بدره است. کردستان عراق با دارا بودن 17 درصد از مساحت عراق و 28 درصد جمعیت این کشور موقعیت ممتازی را به لحاظ استراتژیکی در اختیار دارد(1).

بزرگترین چالش پایدار ژئوپلیتیک کردستان عراق موقعیت جغرافیایی بسته آن است. این شرط لازم برای هر تبادل با جهان خارج و همکاری با کشورهای اطراف به ویژه ایران و ترکیه است. بسیاری از نیازهای کردستان از طریق گذرگاه های مرزی بین دو کشور است و وجود هر گونه چالش در کردها و روابط آمریکا با این دو کشور نشان داده است که این دو کشور به دلیل موقعیت برتر، تردیدی برای تحمیل خواسته های نخواهد کرد(2)

در کردستان عراق، برخی شرایط نامساعد جغرافیایی سیاسی یکسری محدودیت هایی را در مورد تصمیم گیری برای رهبران آنها، که اثر قابل توجهی در سیاست های منطقه ای دولت کردستان داشته، اعمال کرده است. این شرایط مهم عبارتند از: محصور بودن منطقه کردستان عراق در خشکی، با وجود در دسترس بودن منابع آب فراوان.

قرار گرفتن منطقه کردستان بین دو قدرت منطقه ای ایران و ترکیه و برخی از کشورها که از نظر هویت قومی (فارسی، ترکی و عربی) با کردستان عراق ناهمگن هستند.

قرار گرفتن استان نفت خیز کرکوک، موصل، و بخش عمده ای از دیالی در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه و در حال حاضر، موصل و برخی از بخش های دیالی توسط گروه تروریستی داعش تحت سلطه است.

حکومت اقلیم کردستان به نحوی عملاً یک دولت است و به عنوان یک دولت مستقل کردستان و یا قانونی در آینده است. برخی از دولت های خارج این منطقه در جهت منافع خود از مسئله کردها بهره برداری نموده و با تجهیز و همکاری با این قومیت اهداف خود را دنبال کنند. از طرف دیگر اکراد عراق به منظور حفظ موجودیت خود و دستیابی به برخی از امتیازات، تنها راه پیش روی خود را اتحاد و همکاری با دولت های خارجی قدرتمند و مهم تر از آن معارض با دولت مرکزی تصور می نمودند روابط تاریخی میان رژیم صهیونیستی و کردهای عراق

بررسی تاریخی وضعیت کردستان به ویژه پس از فروپاشی عثمانی نشانگر آن است که این قوم بزرگ به دلایل مختلفی که مهم ترین آن قرار گرفتن در میان کشورهای همسایه می باشد، هیچ گاه از وضعیت امنیتی آرامی برخوردار نبوده است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که کشورهای همسایه دارای اقلیت قومی کرد، به بهانه های مختلف و به ویژه حفظ یکپارچگی سرزمینی تدابیر سختی را در این راستا اتخاذ می نمودند. این موضوع با شکل گیری تمایلات استقلال طلبانه و گروه های معارض کردی برای این دولت ها با شدت بیشتری پیگیری می شد.

به عبارت دیگر حائل شدن قومیت کرد در میان این کشورها، خود موجبات همکاری بیشتر این دولت ها در سرکوب و پیشگیری از شکل گیری اقدامات استقلال طلبانه را فراهم می ساخت و به این ترتیب موضوع کردها به عنوان یکی از مسائل اصلی امنیت ملی این دولت ها بدل گردید. سرکوب و فشارهای شدید بر این اقلیت به ویژه در کشور عراق موجب گردید تا اکراد در مقطعی از حقوق اولیه خود نیز محروم گردند و از امکانات اولیه زندگی نظیر بهره برداری از تغذیه مناسب و بهداشت نیز محروم باشند. این موضوع سبب شد تا برخی از دولت های خارج این منطقه در جهت منافع خود از مسئله کردها بهره برداری نموده و با تجهیز و همکاری با این قومیت اهداف خود را دنبال کنند. از طرف دیگر اکراد عراق به منظور حفظ موجودیت خود و دستیابی به برخی از امتیازات، تنها راه پیش روی خود را اتحاد و همکاری با دولت های خارجی قدرتمند و مهم تر از آن معارض با دولت مرکزی تصور می نمودند(3).

از همین رو تاکنون هر تلاشی در جهت ایجاد دولت کردی مستقل، بلافاصله با مخالفت سه کشور ترکیه، ایران و عراق روبه رو شده است. هر یک به شکلی ابراز مخالفت کرده و هیچ یک با اصل موضوع موافقت نداشته اند. این مخالفت ها حساب شده بوده است زیرا هر کدام می دانند در صورتی که به آن تن دهند باید بخشی از قلمرو خود را از دست بدهند. این در حالی است که سرزمین های کردستان سرشار از منابع طبیعی - به ویژه نفت - می باشند.

مخالفت های شدید این سه کشور موجب گردید که کشورهای غربی بعد از قرارداد لوزان موضعی واقعی و جدی در قبال استقلال کردها اتخاذ نکنند و مساعدت و همکاری خاصی با کردها از خود بروز ندهند و صرفاً برخی از سرویس های اطلاعاتی غرب ارتباطاتی با بعضی از مقامات کرد ایجاد کرده اند تا در صورت نیاز از آن ها به عنوان مهره جایگزین بهره برداری کنند. جمهوری ترکیه به صورت هدفمند و حساب شده اقدام به تصفیه کردهای فعال در خاک خود کرد.

آتاتورک و آن هایی که پس از او روی کار آمدند ضربات مهلک و ویران کننده ای به ساختار قبایل کرد در ترکیه وارد کردند. تعداد زیادی از نخبه های کرد را اعدام کردند و بقیه را نیز به جاهای مختلف آواره ساختند. این اقدام باعث شد که مرکز ثقل قبایل کرد به کردستان عراق منتقل شود. در واقع این موضوع نگاه رژیم صهیونیستی را به عنوان یک فرصت بالقوه متوجه کردستان عراق می نماید؛ چرا که عراق از دشمنان اصلی و قدرتمند رژیم صهیونیستی در منطقه محسوب می گردید و حضور دولت عراق در کنار سایر کشورهای عربی برای مقابله با رژیم صهیونیستی خطرات فراوانی را از بدو شکل گیری دولت رژیم صهیونیستی متوجه آن ساخته بود و لذا، رهبران این رژیم اهمیت ویژه ای را برای حضور در کردستان عراق و همکاری با این قومیت معارض دولت مرکزی در نظر می گیرند(4)

حمایت رژیم صهیونیستی از کردها در شمال عراق زمانی جدی تر شد که موساد در 1950 میلادی بخش بزرگی از یهودیان کرد را به رژیم صهیونیستی در یک عملیات به نام "عزرا و نحیمیا" مهاجرت داد. مهاجرت دیگر نیز توسط موساد طی سال های 1970-1971 سازماندهی شده بود(5). ارتباط بین کردهای عراق و رژیم صهیونیستی از طریق بدیرخان علی در سال 1964 آغاز شد، در این بین رژیم صهیونیستی در مقیاس بزرگ کمک های نظامی به کردستان عراق در دهه 1960 و 1970 در طول جنگ جدایی طلب کردها با دولت عراق کرده بودند(6)

در انقلاب کردها علیه حکومت عراق که از سال 1961 تا سال 1975، به مدت 24 سال ادامه داشت، رژیم صهیونیستی نیز از همان آغاز کار، اشتیاق بسیاری برای پشتیبانی و حمایت از حرکت مسلحانه کردها داشت و این کار را با ارسال اسلحه و آموزش نیروهای مسلح کرد انجام می داد. هدف رژیم صهیونیستی، تضعیف ارتش عراق و ناتوان ساختن آن در هر گونه برخورد نظامی محتمل در آینده بود. پس از آن، اختلافات بین کشورهای عرب نیز به حمایت از حرکت مسلحانه کردها در عراق انجامید و بارزانی با مشاهده این کمک ها از سوی رژیم صهیونیستی از آن به عنوان یک وسیله برای اتصال به ایالات متحده آمریکا نگاه می کرد(7)

تنها راه ممکن برای خروج یهودیان از عراق، فراری دادن آن ها از منطقه کردستان هم مرز ایران بود و کردهای عراق به منظور نشان دادن اهمیت رابطه با رژیم صهیونیستی به رغم خطرات بسیار زیادی که با آن مواجه بودند این کار را بر عهده گرفتند. علل توجه رژیم صهیونیستی به کردها

شرایط خفقان حاکم بر عراق در دوران حکومت بعث مانع از آن می شد تا رژیم صهیونیستی بتواند در راستای دستیابی به اهداف خود در عراق دست به اقدامات وسیع و قابل توجهی بزند؛ چرا که هر گونه وجود نشانه هایی از روابط و همکاری اتباع عراق با یهودیان و رژیم صهیونیستی سرنوشت خطرناکی را به همراه داشت. لذا رژیم صهیونیستی در این دوران، تنها به صورت پنهانی و با اهداف خاصی در عراق حضور داشته است و مهم ترین زمینه آن وجود اقلیت کرد عراقی معارض دولت مرکزی در منطقه شمالی عراق بود.

یهودیان عراق خصوصاً پس از جنگ 1967 در وضعیت بی نهایت بدی قرار داشتند و تحت تعقیب بودند. دولت تمامی یهودیان را که در ادارات و وزارتخانه های دولتی کار می کردند و حتی آن هایی را که در بخش های خصوصی شاغل بودند بازنشست کرد و خرید و فروش یا اجاره دادن ملک و املاک و ثبت و نقل و انتقال هرگونه مالکیت را برای یهودیان ممنوع کرد. به بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری دستور داد که ماهیانه بیش از صد دینار به هر یهودی پرداخت نداشته باشند. به وکلا و اطباء یهود دستور داد که حق وکالت و طبابت غیر یهودی را ندارند. تلفن های آن ها اعم از منزل، مطب و محل کار را قطع کرد و آن ها را از عضویت در تمامی باشگاه ها و انجمن ها محروم نمود. شخصیت های بارز آن ها را بازداشت و مورد محاکمه و شکنجه قرار داد. اماکن مقدسه یهود مصادره شدند. دولت همچنین یک مرکز گردآوری یهودیان تأسیس کرد و آن ها را در مکان کوچکی به نام بعقوبه در نزدیکی بغداد گرد آورد. شروع جو ترور علیه یهودیان باعث شد که تعداد زیادی از آن ها در منازل خود بمانند و به اماکن عمومی تردد نکنند. همراه با فروکش کردن آتش قتل و کشتار، محدودیت های ایجاد شده در مسیرهای منتهی به مناطق کردنشین نیز کم شده بود؛ افرادی که قصد فرار داشتند باید به مناطق کردنشینی می رفتند که به عنوان تفریح گاه و استراحت گاه استفاده می شد و همچنین در مناطقی نظیر صلاح الدین تقلاوه و دربند ساکن می شدند که مورد ظن نبودند.

از این رو تنها راه ممکن برای خروج یهودیان از عراق، فراری دادن آن ها از منطقه کردستان هم مرز ایران بود و کردهای عراق به منظور نشان دادن اهمیت رابطه با رژیم صهیونیستی به رغم خطرات بسیار زیادی که با آن مواجه بودند این کار را بر عهده گرفتند. اولین دوره فرار بزرگ یهودیان به کمک کردها و در خلال ماه های جولای و آگوست 1970 صورت گرفت و این موضوع در خلال ماه های سپتامبر و اکتبر آن سال به اوج خود رسید؛ به نحوی که روزانه حدود پنجاه نفر یهودی از مرز ایران می گذشتند. بارزانی از عملیات فراری دادن یهودیان از عراق و نقشی که در انجام آن ایفا می کرد اظهار فخر می کرد. روزنامه نگار امریکایی به نام جک اندرسون در مقاله ای که نشریه واشنگتن پست مورخ 17 سپتامبر 1972 آن را منتشر کرد نوشته است: زمیر رئیس موساد طرح و نقشه رساندن مساعدت به یهودیان برای فرار کردن از عراق را به بارزانی ارائه داد. بعدها نزدیکان بارزانی در رابطه با نقش کردها و شخص بارزانی در فراری دادن یهودیان از عراق فاش ساختند که: بارزانی با تمام وجود این طرح و اندیشه را پیگیری می کرد زیرا یهودی ها برای خاطر ما کارهایی کردند. عملیات فراری دادن یهودیان مساوی بود با به خطر انداختن کردها. خود بارزانی و پسرش شخصاً عملیات فراری دادن یهودیان را پیگیری می کردند(8).

نکته دیگری که در همین رابطه قابل توجه است اینکه رژیم صهیونیستی دارای یکی از اقتصادهای برتر در غرب آسیا بوده و با تغییر در استراتژی رژیم صهیونیستی از جنگ و درگیری به استراتژی اقتصادی، این رژیم از رشد بسیار زیادی برخوردار گردیده به حدی که امروزه در بسیاری از فن آوری ها و تکنولوژی ها از رشد قابل ملاحظه و غیر قابل قیاسی نسبت به سایر کشورهای منطقه برخوردار است. اما نکته اساسی موضوع عدم در اختیار داشتن منابع نفتی به عنوان موتور محرک کارخانجات و صنایع این رژیم است و از این رو رژیم صهیونیستی در این بخش از کمبود و مشکل اساسی برخوردار است. این مسائل موجب گردیده است تا رهبران و پژوهشگران رژیم صهیونیستی طرح های بسیار زیادی را در زمینه تأمین منابع نفتی مورد نیاز و در حقیقت دستیابی به یک منبع مورد اطمینان ارائه نمایند. این مسئله به ویژه در منطقه غرب آسیا که تقریباً کلیه کشورهای صادرکننده نفت، صادرات نفتی خود را به رژیم صهیونیستی ممنوع کرده اند، برای این رژیم از اهمیت مضاعف برخوردار است. یکی از شیوه های اساسی در طرح های رژیم صهیونیستی برای حل بحران نفتی، طراحی خطوط انتقال نفت از کشورهای منطقه به رژیم صهیونیستی بوده است(9).

با شکل گیری رژیم صهیونیستی در غرب آسیا در سال 1948 و آغاز خصومت رژیم صهیونیستی با اعراب، نفت عراق که تأمین کننده نیاز کشور فلسطین بود قطع گردید و رژیم صهیونیستی را از منبع ارزان و در دسترس نفت عراق و خط لوله موصل - حیفا محروم نمود. لذا رژیم صهیونیستی مجبور گردید تا از میان راه های جایگزین خط لوله قبلی، به روسیه توجه نماید و قسمت اعظم نفت مورد نیاز خود را از این کشور خریداری کند؛ که به نسبت خط لوله قبلی از جوانب مختلف نظیر طولانی بودن مسیر انتقال، از هزینه بسیار بالایی برخوردار می باشد. از همین رو دستیابی به منابع مطمئن و ارزان نفتی همواره یکی از اهداف

رژیم صهیونیستی در منطقه و همچنین نئوکان‌های طرفدار رژیم صهیونیستی در کاخ سفید بوده است. از این منظر می‌توان جنگ عراق را در راستای منافع رژیم صهیونیستی نیز دانست؛ چراکه یک بار دیگر موضوع احیای خط لوله نفت موصل - حیفای در نظر تصمیم‌گیران رژیم صهیونیستی زنده نموده است.

حضور رژیم صهیونیستی در اقلیم و ناامن کردن کشورهای منطقه

درگیر کردن کشورهای منطقه با یکدیگر به خصوص ایجاد و تشدید تنش بین ایران و عراق از یک سو و نیز ایجاد جنگ و ستیز بین کردهای عراقی با دولت آن کشور بخشی از توطئه رژیم صهیونیستی با هدف مشغول کردن دولت‌های منطقه و گسترش و تعمیق اغتشاشات محلی و منطقه‌ای بود که در نهایت به سود دولت صهیونیستی تمام می‌شد. به بیان دیگر صهیونیست‌ها با تضعیف قوای داخلی کشورهای مسلمان و انحراف افکار عمومی منطقه به اشکال مختلف در صفوف مسلمانان اخلاص می‌کردند تا مانع اتحاد ضد صهیونیستی آنان شوند.

رژیم صهیونیستی به منظور حفظ امنیت خود و تضعیف قدرت‌های منطقه‌ای، ایجاد واگرایی سیاسی-امنیتی در کشورهای منطقه را در راس برنامه‌های استراتژیک خود قرار داده است. ایجاد اختلافات فرقه‌ای و قومی ضمن آنکه باعث افزایش قدرت چانه زنی رژیم صهیونیستی در منطقه می‌شود. می‌تواند اهرم فشاری بر علیه کشورهای باشد که دشمن رژیم صهیونیستی محسوب می‌شوند. استقلال و خودمختاری کردها این فرصت را در اختیار رژیم صهیونیستی قرار داده تا با مداخله و حضور در شمال عراق و حمایت از کردها زمینه را برای ایجاد ناامنی و افزایش منازعات قومی و مذهبی در منطقه فراهم نماید.

موقعیت استراتژیک منطقه کردستان به دلیل همسایگی با ایران، سوریه و ترکیه این امکان را در اختیار موساد قرار داده است که با حضور در این منطقه و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در شمال عراق فعالیت‌های ایران، سوریه و جنوب ترکیه را کنترل نماید. بسیاری از نخبگان نظامی رژیم صهیونیستی در پوشش بازرگان و کارمندان شرکت‌های خصوصی رژیم صهیونیستی مشغول فعالیت هستند. از جمله اقدامات آنان، راه اندازی سیستم هشدار دهنده جاسوسی و اطلاعاتی در مرز مشترک ایران و آذربایجان در آسیای میانه است. (10)

گسترش جاسوسی و فعالیت خرابکاری رژیم صهیونیستی در شمال عراق در برابر کشورهای منطقه پس از سقوط صدام به طور محسوس انجام می‌گرفت. در مصاحبه ای با روزنامه الجزیره، یک منبع امنیتی عالی رتبه در ترکیه بیان داشت که رژیم صهیونیستی سازمان اطلاعاتی موساد در سال 2005، پایگاه جاسوسی سایبری خود را در شمال عراق تکمیل کرد و این دومین پایگاه جاسوسی پس از استقرار اولین پایگاه جاسوسی در جمهوری آذربایجان واقع در مرزهای مشترک با ایران است. (11)

موقعیت استراتژیک منطقه کردستان به دلیل همسایگی با ایران، سوریه و ترکیه این امکان را در اختیار موساد قرار داده است که با حضور در این منطقه و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در شمال عراق فعالیت‌های ایران، سوریه و جنوب ترکیه را کنترل نماید.

مرز کردستان برای دسترسی به اطلاعات در مورد فعالیت‌های هسته ای ایران است. در این رابطه، روزنامه "ساندی تایمز" می‌نویسد که سفارش شارون از نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی به آماده حمله به تاسیسات هسته ای ایران پس از هشدار سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی و گزارش در مورد تاسیسات هسته ای ایران در پایگاه‌های مستقر در مرزهای کردستان عراق صادر شده است می‌باشد. (12)

به منظور تضعیف قدرت‌های منطقه ای مانند ایران، در این راستا رژیم صهیونیستی در نظر دارد برای واگرایی سیاسی-امنیتی در منطقه و قرار دادن آن در مرکز برنامه‌های استراتژیک خود، ایجاد اختلافات فرقه ای و قومی در ایران از طریق کردستان عراق و همچنین آموزش کردها که در مخالف با جمهوری اسلامی ایران هستند را به عنوان یک اهرم فشار علیه ایران مورد استفاده قرار دهد. رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند برای مقابله با ایران با ایجاد یک بحران امنیتی با حمایت از کردها و دامن زدن به تمایل خود برای تعیین سرنوشت و استقلال آنها برای ایجاد یک دولت مستقل کرد حضور خود را در کردستان عراق که مرز مشترک با بخش بزرگی از ایران دارد تحکیم بخشد.

نتیجه گیری

بررسی‌های موجود نشان می‌دهد وجود زمینه‌های تاریخی برای رژیم صهیونیستی در کردستان عراق، موجب گردیده است تا عوامل این رژیم تحت پوشش شرکت‌های اقتصادی و تجاری، احساس دین اکراد و برخی رهبران کرد به رژیم صهیونیستی، تمایلات و اظهارات رهبران کرد در برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی و همچنین از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی برای نیروهای کرد، اولاً حضور خود را در این منطقه افزایش دهند و ثانیاً به دلیل هم مرز بودن کردستان عراق با مناطق کردنشین ایران، با به‌کارگیری شیوه‌های خاصی اهدافی را از جمله ایجاد بازدارندگی و موازنه از طریق به‌وجود آوردن نیروی هم وزن حزب الله لبنان در مرز جمهوری اسلامی ایران، با بهره‌برداری از نیروهای آموزش دیده و جنگ‌دیده کرد نظیر پیش‌مرگان و به ویژه ضدانقلاب کردی؛ از طریق تسلیح، تجهیز و آموزش و دایر کردن پایگاه‌های جاسوسی و شنود در مرز ایران و کنترل اقدامات نظامی جمهوری اسلامی ایران (به‌ویژه در خصوص تحرکات و فعالیت‌های هسته‌ای و همچنین تهییج، ترغیب و حمایت از ایده‌ها و تمایلات تجزیه‌طلبانه اکراد) دنبال کنند. در واقع شاید بتوان رژیم صهیونیستی را تنها طرفی دانست که همواره از تمایلات تجزیه‌طلبان اکراد در دهه‌های گذشته حمایت نموده است؛ این موضوع که در راستای یکی از استراتژی‌های کلان این رژیم در منطقه غرب آسیا یعنی تجزیه کشورها به مناطق و بخش‌های مختلف بر اساس هویت‌های متنوع قومی و فرهنگی است، از این لحاظ حائز اهمیت است که تقریباً تمامی کشورهای دارای اقلیت کرد، دارای بحران بوده و موضوع کردها همواره

یکی از موضوعات اصلی امنیت ملی این کشورها مطرح بوده است. تحقق تجزیه کردستان عراق یا وضعیت فدرالی، به تدریج ادعاهای اکراد در الحاق مناطق نفت خیز شمال عراق نظیر موصل به کردستان را به دنبال خواهد داشت که در این صورت، رژیم صهیونیستی علاوه بر اینکه فرصت مناسب‌تری را در شوراندن اکراد دیگر کشورها به منطقه پیشرفته کردستان عراق خواهد داشت، به اهداف بلندمدت اشاره شده در این پژوهش نیز دست خواهد یافت.
پی‌نوشت:

1- پیتر گالبرایت، (1381)، «کردها و عراق پس از صدام»، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، شماره 32، بهمن، ص 6

2-Zibakalam. Sadegh, Abdullahpour. Mohammadreza. (2011). the Fragile Geopolitics of Iraqi Kurdistan, a Convergence Factor in Proximity of Iraqi Kurdistan to Israel. Politics Quarterly, the Journal of Faculty of Law and Politics, 41, 4

3-حافظ نیا ، محمد رضا (1385) ، تاثیر ژئوپلتیک عراق بر امنیت کشورهای پیرامونی ، گفتگوی علمی ، گزارش پژوهشی ، پژوهشکده مطالعات راهبردی ، ش83، صص36_4

4- نیکیتین(1363)، کرد و کردستان ترجمه محمد قاضی ، تهران: نشر درایت، ص 5142.

5-Yaghobzadehfard, J. (2008). Israel and the Iraqi North Kurds. Quarterly of Middle East Studies, 15, 3&4

6-Punhuber. Carol. (2009). the Passion and Death of Rahman the Kurd: Dreaming Kurdistan. Trans by Ellen Porter, New York and Bloomington, IN: iUniverse.p.186

7-Karsh. Erfam and Rautsi Inari. (2002). Saddam Hussein: A Political Biography. Grove Press, New York.

8-جهانگیر کرمی، «گزارشی از تحولات شمال عراق در دهه 1990»، مجله سیاست دفاعی ، شماره پیاپی 20 و 21،

9-نبی اله روحی(1385)، "سیاست خاورمیانه ای رژیم صهیونیستی و کردستان عراق " فصلنامه سیاست دفاعی ، شماره 56-57 ، پائیز و زمستان

10- اخوان کاظمی، مسعود(1390) « کردستان عراق هارتلند ژئوپلتیک اسرائیل» فصلنامه راهبرد، سال بیستم، ش 60، صص 168-141

11-(Mehr News Agency, as cited in Al-jazeera Saudi Arabia, 1384).

12-(the Islamic Republic of Iran news agency, as quoted in Sunday Times, 2012).

پایگاه تبیین